

خراپات

کلبشوا!



جواد طوسی

● در شرایطی که یک‌ماه‌ونیم بیشتر به برگزاری سی‌وششمین «جشنواره فیلم فجر» باقی نمانده است، هنوز تعدادی از فیلم‌های بخش مسابقه (سودای سیمیرغ) جشنواره سال قبل از جمله «اسرافیل» آیدا پناهنده، «سد معیر» محسن قربانی، «فراری» علرضا داوودنژاد، «بدون تاریخ، بدون امضاء» وحید جلیلووند، «پشت دیوار سکوت» مسعود جعفری جوزانی، «کمدی انسانی» محمدهادی کریمی، «سوفی و دیوانه» مهدی کرم‌پور، «دیشب کی سحرودیدی؟» فرزاد مؤتمن، «ماه‌گرفتگی» مسعود اطیابی، «مادری» رقیه توکلی و «شماره ۱۷ سهیلا» محمود غفاری به نمایش عمومی درنیامده‌اند.

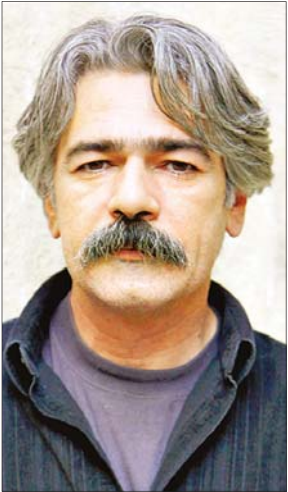
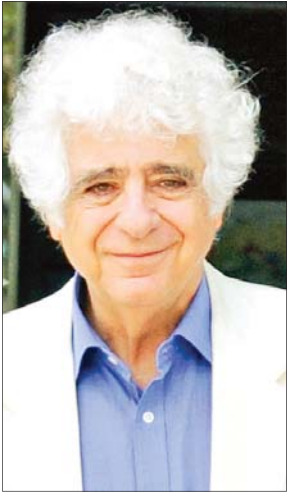
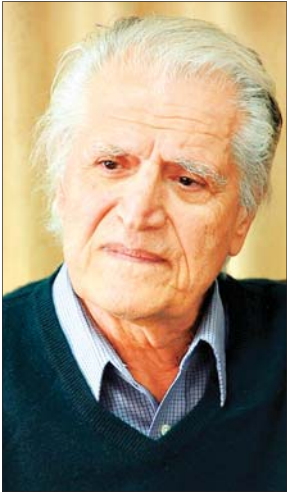
این در حالی است که همین امسال فیلم‌هایی اساسا برخی از آنها فاقد ارزش‌های کیفی بوده‌اند و به صرف گیشه‌داشتن (از نظر خنداندن تماشاچی عامه‌پسند)، باب طبع سینمادارهای تصمیم‌گیرنده هستند.خب، این یک نمونه آشکار عدم تعادل و توازن در چرخه سیاست‌گذاری و اسکران فیلم‌ها است و واقعا معلوم نیست که متر و معیار جامعه سینمایی ما درحال حاضر چیست؟ اگر این فیلم‌های در نوبت اکران‌مانده به‌لحاظ ارزش‌های کیفی‌شان در بخش مسابقه مهم‌ترین رویداد سینمایی سال قرار گرفته‌اند، پس چرا شرایط مناسب اکران برای‌شان فراهم نمی‌شود و بعضی از آنها به‌تاگزیر باید نت به نمایش عمومی در بدترین زمان‌ها بدهند؟ اگر در این آشفته‌بازار حرف اول و آخر را سینمادار می‌زند و می‌تواند تشخیص دهد کدام فیلم اکران شود یا نشود و ملاک اصلی‌شان «برفوش» بودن فیلم و طنازی و لودگی هرچه‌بیشتر برای جذب مخاطب (از نوع تئاتر گلریزش) است، پس شترسواری دولادولا را کنار بگذارید و ساخت و تولید این‌گونه فیلم‌های نفروش را متنفی کنید تا خیال سینمادار راحت شود و ما با یک وضعیت یکدست روبه‌رو شویم و تکلیف خودمان را بدانیم! آقاایا! سیاست‌گذاران عزیز فرهنگ و سینما! والله این راه و رسم مدیریت و نظارت دولتی نیست، شما که به‌هر لیلیلی هنوز لزوم تفکر و سیاست دولتی را در گستره سینما تشخیص نمی‌دهید، پس لاقلا از این حالت انفعالی و پاری‌به‌هرجهت بیرون بیایید و وضعیت اسف‌بار موجود را به‌درستی آسیب‌شناسی کنید. آیا متوجه هستید که «سرمایه»، «سرمایه‌گذار» و «تهیه‌کننده» در سینمای فعلی ما، چه تعریف دگرگون‌شده‌ای پیدا کرده است؟ آیا می‌دانید سینمای مستقل و بخش خصوصی کارآمد و هویت‌مند که بتوانند «مخاطب»، «هنر/ صنعت» و «بازگشت سرمایه» را به‌درستی براساس وضعیت موجود جامعه ترسیم و برایش بسترسازی مناسب‌کند، فاتحه‌اش خوانده شده و همه افتاده‌اند به کاسبی و پیداکردن سرمایه‌گذار و اسپانسرکی که اصلا توی باغ نیست و اهداف دیگری دارد و اکران‌نشدن فیلم برایش مهم نیست؟ نتیجه چنین شیوه فیلم‌سازی و تولید و سرمایه‌گذاری می‌شود فیلم‌هایی که در آنها انتخاب بازیگر و کارگردان و نگارش فیلم‌نامه و کارکردن روی موضوع، فاقد هرگونه اصول و قواعد حرفه‌ای و فرهنگی این کار هستند و ما در واقع، با نوعی سازبوفیروشنی و قرارداد پیمانکاری سروکار داریم، تا فیلم‌سازی و فرهنگ‌سازی.

آقایان! دولتمردان گرامی! کجای کارید؟

خبر

دیدار سعدمی با پترارک در تهران، شیراز، رم و بولونیا

● بعد از برگزاری همایش سعدی و پوشکین، سعدی و یونس امره، سعدی و سرواتنس، سعدی و متنی، سعدی و کنفوسیوس و سعدی و ویکتور هوگو در سال‌های گذشته در ایران، روسیه، ترکیه، اسپانیا، چین و فرانسه، در سال آینده همایش سعدی و پترارک در ایران و ایتالیا برگزار می‌شود. علی‌اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب، با اعلام این خبر گفت: همایش سعدی و پترارک در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، ۲۹ و ۳۰ فروردین ۱۳۹۷ حضور سعدی‌شناسان و پترارک‌شناسان ایران و ایتالیا در مرکز فرهنگی شهر کتاب و در روز اول اردیبهشت، روز بزرگداشت سعدی در شیراز و در اواخر شهریور در دانشگاه ساینزای رم و دانشگاه بولونیا برگزار می‌شود. این همایش به همت مرکز فرهنگی شهر کتاب، مرکز سعدی‌شناسی، رازنری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا، دانشگاه ساینزای رم و دانشگاه بولونیا در ایران و ایتالیا برگزار می‌شود. محمدخانی در پایان به دیگر فعالیت‌های مرکز فرهنگی شهر کتاب در حوزه معرفی ادبیات فارسی در ایتالیا اشاره کرد و گفت: شهر کتاب در سال‌های گذشته با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز ادبی و فرهنگی ایتالیا و ناشران ایتالیایی سمینارها و نشست‌های متعددی را در شهرهای مختلف ایتالیا برگزار کرده و در ماه جاری نیز ترجمه دو رمان «روز حلاوت» زهرا عبدی و «هیچ‌وقت» لایلا قاسمی در ایتالیا رونمایی شد و ترجمه «سووشون» سیمین دانشور نیز به‌زودی منتشر می‌شود.



چهارمین جشن سالانه «موسیقی ما» با تقدیر از کیهان کلهر و نکوداشت لوریس چکناواریان برگزار شد

چکناواریان: موسیقی را به شما پس می‌دهم

به چکناواریان اهدا شد. خسرو سینایی در قدردانی از مقام هنری چکناواریان گفت: این صحنه پیش از ۵۰ سال شاهد اجرای آثار ارزشمندی از لوریس چکناواریان بوده و او در این صحنه ایستاده و به ما می‌افتد و نهایتا فراموش می‌شوند؛ اما استثنائاتی هم هست. یکی از بهترین نمونه‌های خصوصی، جشن سایت موسیقی ماست که توانسته همچنان بعد از چهار سال نهن‌تها تازگی‌اش را حفظ کند که موسیقی‌دانان بیشتر و معتبرتری تمایل به حضور در آن داشته باشند. مهم‌ترین ویژگی این جشن هم همین غیردولتی‌بودن آن در کنار برشمردن آرای مردمی است. از سوی دیگر تیم برگزاری جشن هم همه جوان‌هایی هستند که سال‌ها در عرصه رسانه فعالیت داشته‌اند و با تکیه بر دانش و سواد رسانه‌ای‌شان این سایت را می‌چرخاند و این جشن را برگزار می‌کنند.

۲۵ آذر، چهارمین دوره جشن سالانه موسیقی ما با معرفی برگزیدگان موسیقی ایران در سال ۹۵ در دو بخش مردمی و کارشناسی با حضور جمعی از اهالی موسیقی در تالار وحدت تهران برگزار شد و مانند هر جشن دیگری به برگزیدگان تندیس و لوح موسیقی ما اهدا شد.

از مهم‌ترین نکات جشن این شب تقدیر از یک عمر فعالیت کیهان کلهر بود که برای اولین‌بار در ایران صورت می‌گرفت. در ابتدای این بخش ضمن نمایش کلیپی با صحبت‌های نویسندگان و هنرمندان مختلف، گوشه‌هایی از فعالیت‌های بین‌المللی این هنرمند برای حاضران در مراسم به نمایش درآمد. احمد پژمان، محمدرضا درویشی و پروین بهمنی هنرمندانی بودند که با حضور در صحنه از مقام هنری کیهان کلهر با اهدای تندیس طلایی قدردانی کردند. کیهان کلهر بعد از دریافت این جایزه گفت: از جامعه موسیقی ایران برای این لطف بسیار قدردانی می‌کنم و خوشحالم که این جایزه را دریافت کردم. در بخش دیگری از مراسم نیز نکوداشت لوریس چکناواریان برگزار شد. مانند آنچه برای کلهر اتفاق افتاد، ابتدا کلیسی از مصاحبه با این هنرمند پیش‌کسوت موسیقی بخش و پس از آن در حضور خسرو سینایی، سعید شریفیان، شاهین فرهت و حمیدرضا نوربخش تندیس طلایی جشن

همایون شجریان و سهراب پورناظری روی صحنه بود که بارها برای بخش‌های مختلف آلبوم «رگ خواب» موفق به دریافت جایزه چه در بخش کارشناسی و چه در بخش مردمی شدند. حضور بزرگانی مانند احمد پژمان و انتخاب اثرش به‌عنوان آهنگ‌ساز بهترین آلبوم مدرن، کلاسیک ایرانی و ملل به انتخاب کارشناسان برای آلبوم «دیور تیمنتشو»، همچنین انتخاب آلبوم «طریق عشق» به آهنگ‌سازی زنده‌یاد پرویز مشکاتیان و خوانندگی محمدرضا شجریان به‌عنوان بهترین آلبوم با کلام موسیقی سنتی و اصیل ایرانی به انتخاب کارشناسان از نکات درخور توجه این جشن



بود. علاوه بر آرای مردمی، کارشناسان موسیقی شامل روزنامه‌نگاران و منتقدان، آهنگ‌سازان، خوانندگان، ترانه‌سرایان، نوازندگان، صدابرداران و... با پرکردن فرم‌ها و دفترچه‌های نظرسنجی منتخبان‌شان را انتخاب می‌کنند. فهرست جایز به شرح زیر است: ناشر برتر سال: مؤسسه فرهنگی هنری ماهور به مدیریت محمد موسوی، بهترین آلبوم با کلام موسیقی سنتی و اصیل ایرانی به انتخاب مردم: آلبوم «از تنهایی گریه مکن» به آهنگ‌سازی ابوالفضل صادقی‌نژاد و خوانندگی سالار عقیلی، بهترین آهنگ‌ساز تلفیقی و تجربی به انتخاب کارشناسان: گروه داماهی، بهترین

قطعه تلفیقی و تجربی به انتخاب مردم: «لالایی» به آهنگ‌سازی علیرضا کوشک جلالی و علی زندوکبلی، بهترین آلبوم موسیقی نواحی به انتخاب کارشناسان: آلبوم «صدای طهرون قدیم ۲» به خوانندگی زنده‌یاد مرتضی احمدی، ترانه‌سرای برگزیده به انتخاب کارشناسان: زنده‌یاد افشین بداللهی، بهترین آهنگ‌ساز موسیقی پاپ به انتخاب کارشناسان: علیرضا افکاری برای آلبوم‌های «سی‌سالگی» و «رؤیای بی‌تکرار»، بهترین آلبوم موسیقی تلفیقی و تجربی به انتخاب کارشناسان: آلبوم «تمام ناتمام» گروه پالت، بهترین آلبوم موسیقی تلفیقی و تجربی به انتخاب مردم: آلبوم «رگ خواب» با هنرمندی سهراب پورناظری و همایون شجریان، بهترین آلبوم موسیقی پاپ به انتخاب کارشناسان: آلبوم «امیر بی‌گزند» با هنرمندی بهروز صفاریان و محسن چاوشی، بهترین آلبوم موسیقی پاپ به انتخاب مردم: آلبوم «سی‌سالگی» به خوانندگی احسان خواجه‌امیری، بهترین آلبوم موسیقی بی‌کلام موسیقی ستنی به انتخاب کارشناسان: «در سکوت باغ» به هنرمندی زنده‌یادان جلیل شهناز و حسن کسایی، بهترین آلبوم موسیقی فیلم به انتخاب کارشناسان: آلبوم «رگ خواب» سهراب پورناظری و همایون شجریان، شعر برگزیده موسیقی پاپ، راک و تلفیقی به انتخاب کارشناسان: اثر «لالایی» سروده افشین مقدم، بهترین تنظیم‌کننده موسیقی پاپ به انتخاب کارشناسان: هومن نامداری، جایزه ویژه صدابرداری: قاسم عابدین صدابردار پیش‌کسوت موسیقی ایران، بهترین قطعه موسیقی سنتی و معاصر ایرانی به انتخاب مردم: قطعه «ابر می‌بارد» به آهنگ‌سازی سهراب پورناظری، تنظیم بریدا کیارس و خوانندگی همایون شجریان، بهترین قطعه موسیقی پاپ به انتخاب مردم: قطعه «عاشقانه» به خوانندگی فرزاد فرین، بهترین قطعه موسیقی پاپ (داخل آلبوم): قطعه «عشق‌م این روزا» به خوانندگی محمد علیزاده، بهترین آلبوم پاپ – راک به انتخاب کارشناسان: آلبوم «منشور» به خوانندگی کاوه یغمایی، بهترین آلبوم پاپ – راک به انتخاب مردم: آلبوم «دوئل در آینه» به خوانندگی رضا یزدانی، بهترین کنسرت‌گذار به انتخاب تهیه‌کنندگان و ناشران: مؤسسه «هرمس» به مدیریت رامین صدیقی.



صحبت‌های کیانوش عیاری درباره فیلم «بیدارشو آرزو»:

تلخ‌تر از زلزله

که در فیلم در نقش امدادگر می‌بینید، ۱۶۰ نفر از اعضای خانواده‌اش را از دست داده بود.

کارگردان فیلم سینمایی «خانه پدری» در پایان گفت: «پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم، چراکه فیلم از خود زلزله تلخ‌تر است. این حرف را به حساب اغراق نگذارید. این می‌تواند از برخورد حسی سازندگان با این‌فاجعه بزرگ باشد. به‌هرحال می‌دانیم زلزله‌ای در تهران به وقوع خواهد پیوست. قصدم رنجاندن یا نگران‌کردن شما نیست، چراکه بالاترین مقامات مرتبط با زلزله اعلام کردند زلزله ممبئی که شاید قرن‌ها

مشابه آن رخ ندهد، تهران را خواهد

لرزاند و تهران هم بسیار آسیب‌پذیر

است.»

اوادامه داد: «این زلزله چیزی حدود ۳۸،۳۹ سال به تعویق افتاده

است، اما می‌خواهم این را

بگویم که قطعا گاز باید

از تهران برچیده شود و

رفتیم باید برقی شود،

چراکه مرحله دوم

هشدارهای مرتبط با

زلزله تهران اتفاقاتی

مثل آتش‌سوزی است.

ایده انتقال ۲۶۰هزار

نفر که در دو دولت

قبل به مناسبت زلزله

قرب‌الوقوع تهران

مطرح شد، عملا باعث

شد تنها ۶۰۰ نفر از

کارمندان از تهران منتقل

شوند و خانواده‌های آنها



ساخت سوزهای که در ذهن داشتم بیروم، از مصادیق سوءاستفاده از یک واقعه تلخ است، اما آقای کیارستمی چندی بعد فیلم خودشان را در زلزله رودبار ساختند و دیدم هیچ اثری از سوءاستفاده از شرایط نیست و ایشان ایدا متهم به فرصت‌طلبی نشدند و خیلی درست کارشان را انجام داده بودند و من فرصت را از دست دادم.» عیاری ادامه داد: «اما باور کنید در انتظار وقوع زلزله دیگری نبودم که سوزهایم تبدیل به فیلم شوند و در نهایت زلزله بم اتفاق افتاد. صحنه‌ای در «بیدارشو آرزو» هست که البته تفاوت جدی و آشکار با چیزی که در زلزله طیس رخ داده بود، دارد. اما آیشخور آن از آن چیزی که در زمان فاجعه‌ای این‌چنینی رخ خواهد داد، ارائه می‌دهد. حس‌وحال کیانوش عیاری که مثل دوستداران سینمایش ۱۴ سال منتظر اکران این فیلم بودند، جالب بود و البته صحبت‌هایی که توجه بسیاری را به سمت دیدن این فیلم جلب می‌کند. عیاری پیش از نمایش فیلمش در صحبت‌های کوتاهی گفت: «وقوع زلزله در بم، باعث شد تصویربرداری سربال «روزگار قریب» را متوقف کنیم و برای ساخت فیلمی راهی بم شویم.

بنابراین همراه با مهران رجبی و بهناز جعفری

و چند نفر دیگر از اعضای گروه وارد بم شدیم

و کار را شروع کردیم.»او در بخش دیگری از

صحبت‌هایش گفت: «هیچ سوزه خاصی وجود

نداشت، تنها در زلزله طیس، جست‌وجو برای یک

جنازه با یک مهندسی خیلی ظریفی رخ داده بود

که من در آن حضور داشتم و این به‌عنوان یک ایده

و سوزه یا یک خاطره همراه با من بود و زمانی که

از زلزله رودبار رخ داد، فکر کردم اگر به سمت‌وسوی

زیر آسمان فیروزهای

علیرضا کوشک‌جلالی از کزن تاهاتران

درخشش یک ایرانی در تئاتر آلمان

● رضا آشفته: علیرضا کوشک‌جلالی برنده جایزه افتخاری تئاتر کلن– آلمان نمایش شد و اجرای اخیرش به نام «در انتظار آدولف» در تماشاخانه ایران‌شهر به پایان رسید و او دراین‌باره پیامی را از کلن به تهران فرستاد و از استقبال سه نسل مخاطب ایرانی گفت که برای او شگفتی‌ساز بوده است. علیرضا کوشک‌جلالی از جشنواره فجر سال ۸۰ با نمایش «مسخ» در ایران خود را شناسانده و همواره در تهران و شهرستان‌ها کار می‌کند و جزء معدود کارگردان‌هایی است که کارگاه‌های تأثیرگذاری در شهرستان‌های ایران، از جمله در لنگرود، تبریز، بندر دیر، کاشان، شهرکرد و... برگزار کرده و با آنکه در این سال‌ها با بیماری ام‌اس دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما هنوز هم در تئاتر عشق و زندگی‌اش را می‌جوید و در این سال‌ها همچنین اجراهای موفقی در ایران و آلمان داشته و بارها در جشنواره‌های بین‌المللی به زیبایی درخشیده است.

پایان آدولف

نمایش «در انتظار آدولف»، اثر ماتیو دلایورته و الکساندر دلایلتیر با ترجمه، دراماتوزی و کارگردانی علیرضا کوشک‌جلالی، از ۲۱ آبان به مدت ۳۰ شب تا ۲۴ آذرماه در سالن استاد ناظرزاده‌کرمانی تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه بود که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد. در این یادداشت آمده: درست مثل دیگر اجراهایم، موسیو ابراهیم، خدای ششتار، سیستم گرون‌هلم، پستچی پابلو نرودا و... برای اینکه نمایش‌هایم فقط برای قشر خاصی نباشد، زحمت زیادی کشیده شده و نتیجه‌اش را هم که امشب می‌بینید، این افتخاری است برای تکتک اعضای گروه خلاق، بانظم و سختکوشمان که نمایش «در انتظار آدولف» می‌تواند رکورد تعداد تماشاچیان سالن استاد ناظرزاده در سال جاری را بشکند.من چند اجرا از این نمایش (در انتظار آدولف» را دیدم. شاهد حضور سه نسل در این سالن بودم، شبی صدای پرش‌ور خنده دو بچه هفت، هشت‌ساله، خود باعث انرژی مضاعفی در سالن شده بود، پدران و مادران مسن و جوانان بی‌شماری از نمایش دیدن کرده و اکثرا هم بالذت نمایش را دنبال می‌کردند.

من شاهد حضور زنی خانه‌دار که برای اولین‌بار به تئاتر می‌آمد، راننده تاکسی، وکیل، هیت علمی، دانشگاه شریف، کارمند بانک، هنرمندان خاص، روشنفکران، دانشجویان و کارگر ساختمانی محلمان در سالن بودم و از اینکه این نمایش توانسته بود با تکتک این افراد ارتباط برقرار کند، از خوشحالی در پوست خود نمی‌کنجیدم.



تئاتر اروپا سال‌هاست به این مرحله رسیده: دورانی که هنر برای توده مردم هم باشد، نه‌فقط برای خواص. این ژانر هنر مردمی ستون فقرات فرهنگی آن جوامع است و یکی از دلایلی است که مهر جامعه با فرهنگ بر پیشانی‌شان خورده. توده مردمی که به دیدن شکسپیر بروند، کمتر عریبه می‌کشند. توده مردمی که بیکاسو را بشناسند، کمتر اسید می‌پاشند. توده مردمی که فردوسی‌شناس باشند، خردمندانه‌تر رفتار می‌کنند؛ پس باید آنها را به سالن‌های هنری کشاند. برتولت برشت ۱۱۰ سال پیش در آلمان گفت: تماشاچی در وهله اول به تئاتر می‌آید که لذت ببرد، تفریح کند و در کنارش چیزی هم یاد بگیرد. این عنصر تفریح در بسیاری از تئاترهای روشنفکری تقریبا از بین رفته است. هنر ناب برای توده مردم ایران وجود ندارد و این همان سونامی بسیار بزرگی است که تئاتر ما را دربر گرفته. گویا سعی بر این است که تئاتر فقط برای خواص باشد و این بزرگ‌ترین خطری است که می‌تواند هر جامعه‌ای را تهدید کند که نتیجه‌اش می‌شود توده مردم ناآگاه، یک‌بار دیگر دردت و بی‌فرستم به پشتکارت تکتک افراد گروه، چه پشت و چه روی نمایشی از این جنس در سال آینده.

